

آینه

نمایه اخبار

روزبر حاشیه‌مجلس

● در فرض نخست، برخی بر این باورند که مصوب‌نشدن این لایحه [CFT] در ضرب‌الاجل مشخص شده در کنار شیطنت‌های عربستان، رژیم صهیونیستی و آمریکا، بازگشت ایران به لیست سیاه را بیش از هر زمانی محتمل کرده است. در فرض دوم اما برخی دیگر بر این باورند که ایران می‌تواند همانند برخی کشورهای دیگر، بار دیگر از گروه ویژه اقدام مالی مهلت بخواهد و در این زمان که تعلیق ایران از لیست سیاه FATF تمدید می‌شود، می‌توان تکلیف لایحه CFT را روشن کرد. این گروه از صاحب‌نظران براین باورند که همکاری‌های ایران در به سرانجام رساندن دو لایحه از چهار لایحه مورد نظر FATF، می‌تواند برای تمدید دوباره تعلیق ایران از لیست سیاه و گرفتن مهلت کارساز شود. این چهار لایحه عبارتند از: لایحه «الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته (پارامو)»، لایحه «اصلاح قانون مبارزه با پولشویی»، لایحه «اصلاح قانون مبارزه باتأمین مالی تروریسم» و لایحه «الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» (CFT). مجلسی‌ها لایحه نخست را که قبلا به تصویب رسانده بودند، دیروز برای تأمین نظر شورای نگهبان، اصلاح کردند. لایحه دوم نیز در مجلس به تصویب رسیده و هم‌اکنون در شورای نگهبان در دست بررسی است. مجلسی‌ها کلیات لایحه سوم را نیز تصویب کرده و بررسی جزئیات آن را فعلا به کمیسیون قضایی سپرده‌اند. لایحه چهارم نیز آنچنان که گفته شد، برای دو ماه دیگر مسکوت ماند. با این همه، با توجه به آنکه گروه ویژه اقدام مالی قرار است در ماه ژوئن ۲۰۱۸ یعنی تیرماه امسال روند پیشرفت ایران در تکمیل برنامه عملیاتی را بررسی کند، دقت در این موضوع ضروری است که مکانیزم رای‌گیری در این گروه، براساس اجماع صورت می‌گیرد. در این میان آمریکا که همواره درباره ایران رای منفی داده، این بار با لابی سنگین رژیم صهیونیستی و عربستان که اعضای ناظر و بدون رای FATF هستند، آغاز کرده است. با توجه به آنکه اروپا، چین و کانادا معمولا در مقابل این نظر ایالات‌متحده قرار داشته‌اند، بنابر نظر کارناشناسان، وزارت خارجه ایران باید برای جلوگیری از اثرگذاری اقدامات منفی ایالات‌متحده، عربستان و رژیم صهیونیستی، دست به کار شده و لابی جدی با اروپایی‌ها و نیز سایر کشورهای مخالف با آمریکا را آغاز کند.

کیم

نشانه‌های شکست وتصمیم‌بهنگام

● **محمدحسین محترم**:... بعد از خروج آمریکا از برجام، مذاکره با اروپایی‌ها در حقیقت اذس‌ترفتن فرصت تصمیم‌گیری بهنگام برای ایران است. درخصوص بازی پرتناقض اروپایی‌ها و جریان نفوذی برای تحمیل «هم تحریم و هم برجام» بر ملت ایران باید گفت این سیاست که در حوزه سیاسی «متعهد به برجام هستیم» اما در حوزه اقتصادی «متضمن نیستیم» به همراه فضاسازی‌های داخلی برای پذیرش «برجامی معیوب» همان سیاست اوایل جنگ تحمیلی است که رئیس‌جمهور فراری وقت می‌گفت «زمن بدهیم و زمان بخیریم!» در قالب برجام نیز «صنعت هسته‌ای را داندن تا زمان بخرند» و اکنون در ادامه این سیاست، هدف اروپایی‌ها از جمله نامه نوشتن به آمریکا برای مستثنی‌شدن چند شرکت اروپایی از تحریم‌ها و فضاسازی جریان غربگرا روی این اقدامات نماند، از یک طرف معطل نگه‌داشتن ملت ایران است تا تحریم‌های آمریکا آثار خود را نشان دهد و از طرف دیگر فضا و فرصت و حق ایران برای خروج از برجام از دست برود و در آینده با هر اقدام ایران، جمهوری اسلامی را متهم به نقض برجام کنند. شاه کلید این بازی هم در دست ائتلاف است که قراره با ادعای بازرسی از اماکن نظامی ایران، به‌موقع رونمایی شود... لذا دولت باید با درک این سناریو و خروج به موقع از «برجام معیوب باقی مانده، به استناد بند ۳۶ برجام و ماده ۳ قانون اقدام مناسب مجلس و شروط نه‌گانه رهبری و مصوبات شورای عالی امنیت ملی، تا دیر نشده دشمنان را در رسیدن به اهداف خود از طریق «پیل برجام» علیه ملت ایران نساکم بگذارد و تجربه‌های شش‌گانه‌ای بیان شده از سوی رهبری را بپل عبور از چالش برجام» قرار دهد که فرمودند «باید حرکت شجاعانه انجام داد، زمانی که در مقابل زیاده‌خواهی‌های آنها مُهر و موم‌های هسته‌ای را شکستیم و غنی‌سازی ۲۰ درصد را انجام دادیم، غربی‌ها به التماس افتادند!»

اقتصاد

اصلاح‌طلبی تنها راه خنثی‌کردن توطئه‌های براندازان است
● **در گفت‌وگو با محمود صادقی**: ... محتمل است که همه‌جا نوعی برنامه‌ریزی مرموزانه‌ای از جانب بخشی از نهادهای امنیتی باشد. همچنین جریان‌های برانداز هم در این جهت حرکت می‌کنند. سازمان‌ناقصین در سال ۱۳۶۴ تحلیل کرد که پیروزی آقای خاتمی سقوط نظام را ۲۰ سال عقب انداخت. براندازان وجود اصلاح‌طلبان را مانع تحركات تجزیه‌طلبانه و خشنونت‌طلبانه خودشان می‌دانند... ناگفته نماند که برخی کم‌کاری‌های اصلاح‌طلبان و انفعال آنها در برابر کم‌کاری‌های دولت فعلی، زمینه طرح این شعارها و سوءاستفاده‌ها را فراهم کرده است. بخشی از این زمینه‌سازی به اصلاح‌طلبان و عقب‌ماندن‌شان از مطالبات مردم بازمی‌گردد.

اقتصاد

● **در گفت‌وگو با محمود صادقی**: ... محتمل است که همه‌جا نوعی برنامه‌ریزی مرموزانه‌ای از جانب بخشی از نهادهای امنیتی باشد. همچنین جریان‌های برانداز هم در این جهت حرکت می‌کنند. سازمان‌ناقصین در سال ۱۳۶۴ تحلیل کرد که پیروزی آقای خاتمی سقوط نظام را ۲۰ سال عقب انداخت. براندازان وجود اصلاح‌طلبان را مانع تحركات تجزیه‌طلبانه و خشنونت‌طلبانه خودشان می‌دانند... ناگفته نماند که برخی کم‌کاری‌های اصلاح‌طلبان و انفعال آنها در برابر کم‌کاری‌های دولت فعلی، زمینه طرح این شعارها و سوءاستفاده‌ها را فراهم کرده است. بخشی از این زمینه‌سازی به اصلاح‌طلبان و عقب‌ماندن‌شان از مطالبات مردم بازمی‌گردد.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

مقام معظم رهبری در دیدار استادان و اعضای هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها:

راه‌حل منطقی ایران در مسئله فلسطین رفراندوم از فلسطینیان واقعی است



شرط و شروط گذاشته بودند و برخی مسئولان نیز به دادن امتیازاتی در این زمینه گرایش پیدا کرده بودند، با تلاش جوانان و با پافشاری و استقامت توانستیم به اورانیوم ۲۰ درصد دست یابیم و دنیا در کمال ناباوری دید که ما به اورانیوم آمریکا و روسیه و فرانسه احتیاج نداریم».

ایشان افزودند: «آن استعدادی که قادر به انجام‌دادن چنین کار حیرت‌انگیزی است، چرا نتواند راندمان چاه‌های نفت را افزایش دهد؟».

مقام معظم رهبری «آسیب‌های اجتماعی» را زمینه دیگری برای درگیرشدن جامعه دانشگاهی با مسائل کشور دانستند و خاطرنشان کردند: «حدود سه سال است دستگاه‌های مختلف سه قوه را در این مسئله فعال کرده‌ایم و کارهای خوبی هم شده است که در درازمدت نتیجه می‌دهد اما دانشگاه‌ها می‌توانند با پیشنهادات و راه‌حل‌های خود، حل مسئله مهم آسیب‌های اجتماعی را تسریع کنند».

«کمک به اصلاح زنجیره چرخه تولید و مصرف» از دیگر توصیه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به استادان و پژوهشگران دانشگاهی بود.

ایشان بررسی علمی «موانع تولید کالای باکیفیت داخلی» و «ریشه‌هایی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تمایل برخی قشر‌ها به کالاهای خارجی» را از دیگر مسائلی دانستند که جامعه دانشگاهی می‌تواند درباره آنها راه‌حل‌های عالمانه، عینی و قابل تحقق دهد.

مقام معظم رهبری در جمع‌بندی اولین محور سخنانشان در جمع استادان یعنی «درگیرشدن جامعه دانشگاهی با مسائل و چالش‌های کشور، بر نکته مهمی تأکید و خاطرنشان کردند: «همانطور که بارها گفته ام، تحقق این همکاری، نیازمند طلب و خواست مدیران و مسئولان کشور است؛ به‌گونه‌ای که مدیر باید به در خانه دانشمندان برود نه اینکه دانشمند پشت در اتاق مدیر معطل بماند».

ایشان از مسئولان دولتی حاضر در جلسه خواستند مسئله ارتباط مراکز و دستگاه‌ها با دانشگاه‌ها را به‌طور جدی در جلسات دولت مطرح و پیگیری کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین محور دوم بحث‌شان در نشست با استادان و محققان گفتند:

«عقل در نگاه اسلامی، دستگاه محاسبه‌کننده مادی نیست؛ بلکه عامل تعالی و رشد انسان، معتقدکردن فرد به سبک زندگی اسلامی و تأمین‌کننده ارتباطات مختلف زندگی است و برای تحقق این ظرفیت عظیم، قوه عاقله باید تربیت فرهنگی، معنوی و اخلاقی یابد».ایشان به جامعه دانشگاهی تأکید کردند: «جوان پاک دانشجو را باایمان، شجاع، اهل اقدام، اهل کار و تلاش، دارای اعتمادبنفس، حوق‌پذیر، حق‌طلب، اهل مبارزه با ظلم و تعرض و اهل مهربانی و گذشت بار بیابورید تا بتواند در آینده،

جامعه را به‌درستی مدیریت کند».

مقام معظم رهبری به‌عنوان مثالی در ضرورت تربیت معنوی و اخلاقی، به ناچاری‌های رایج در فضای مجازی از جمله تهمت، بدگویی، بردن آبروی مؤمن و برجسته‌کردن ضعف‌های کوچک اشاره کردند و افزودند: «تربیت معنوسی می‌تواند جلوی این مشکلات را بگیرد».

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: «جوان امروز را با هویت بار بیابورید؛ چراکه اگر جامعه‌ای احساس هویت نکرد، در مقابل صداهای بلند تحکم‌آمیز به‌راحتی مغلوب می‌شود؛ اما برخورداری از هویت دینی، ملی و انسانی به جامعه احساس عزت و ایستادگی می‌دهد».محور پایانی مباحث حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به بیان مصادیق عینی ضرورت «صیورت و اصلاح و تحول دائم دانشگاه‌ها، اختصاص داشت.ایشان، تبدیل «رویکرد مصرف‌کنندگی علم به تولیدکنندگی علم» را از جمله این مصادیق دانستند و گفتند: «بارها گفته‌ایم در مقابل علم دیگران شاگردی می‌کنیم؛ اما شاگردی با تقلید و مصرف‌کردن همیشگی فرق دارد».

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با انتقاد از کسانی که معتقدند نباید دنبال تبیین و تدوین علوم انسانی اسلامی برویم؛ زیرا علوم انسانی در همین نظریات رایج منحصر است، افزودند: «این‌همه دیدگاه‌های متعارض در اقتصاد، مدیریت، فلسفه و دیگر علوم انسانی آیا نشان‌دهنده بطلان برخی دیدگاه‌ها نیست؟ ضمن اینکه حتی در علوم تجربی نیز غلط‌بودن برخی حرف‌ها ثابت شده و می‌شود؛ پس چرا برخی علوم انسانی اسلامی را رد می‌کنند».

ایشان منتقل‌نشدن صحیح یا کامل علوم دیگران

و به‌روزشنندن این‌گونه علوم در داخل را از دیگر

نشانه‌های ضرورت حرکت به سمت تولید علم

خواندند و افزودند: «نباید تجربه‌های غلط دوران

رژیم گذشته را تکرار کرد».

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با یادآوری پیشرفت‌های تحسین‌برانگیز کشور در نانو، سلول‌های بنادین، هسته‌ای، زیست‌فناوری، پزشکی و علوم دیگر گفتند: «برخی، این پیشرفت‌های عینی را که حتی مراکز جهانی نمی‌توانند آنها را انکار کنند، حبابی می‌خوانند تا مردم و جامعه دانشگاهی را مأیوس کنند؛ اما این‌گونه حرف‌ها صدردصد اشتباه است».مقام معظم رهبری در ادامه سخنان‌شان درباره مصادیق عینی ضرورت تحول در دانشگاه‌ها افزودند: «هدفمندکردن تحقیقات» مهم است و پژوهش‌ها باید با دو هدف اساسی «تأمین نیازها و حل مسائل کشور» و «رسیدن به اوج و برجعیت علمی و حضور در جمع سرآمدان جهانی علم» صورت گیرد.ایشان خاطرنشان کردند: «موضوع مقاله‌محوری موافقان و مخالفان دارد،

البته مقالاتی که مورد استناد قرار می‌گیرد، برای کشور آبرویی است؛ اما نباید در مسیر ارتقای علمی استادان، تولید مقاله اصل و ضابطه قرار گیرد».

مقام معظم رهبری، «آمایش آموزش عالی» را از دیگر تحولات لازم در دانشگاه‌ها برشمردند و افزودند: «این سند در سال ۹۵ در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده؛ اما اجرای آن پیشرفت نداشته است».

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: «آمایش آموزش عالی نوعی تقسیم‌کار ملی میان دانشگاه‌ها در بخش‌های مختلف علمی است که ضمن هم‌افزایی، برنامه‌ریزی برای رشد علمی و ارزیابی وضع علمی کشور را آسان می‌کند».

«تحقق کامل نقشه جامع علمی کشور» از دیگر مسائلی بود که مقام معظم رهبری آن را در مسیر اصلاح و تحول مستمر دانشگاه‌ها ضروری دانستند.

ایشان نقشه جامع علمی کشور را خوب ارزیابی کردند؛ اما گفتند: «بدنه دانشگاهی که باید این نقشه را اجرا کند، از آن به حد کافی مطلع نیست؛ بنابراین باید جلساتی برای تبیین و عملیاتی‌کردن نقشه جامع علمی در دانشگاه‌ها برگزار شود». «خطر نامتوازن‌شدن رشته‌های دانشگاهی و افزایش گرایش به رشته‌های درآمدازا» که باعث کم‌شدن گرایش به رشته‌های بسیار مهمی مانند ریاضی و فیزیک شده است و تأکید بر حل این مشکل، خواسته دیگر مقام معظم رهبری از جامعه دانشگاهی بود.مقام معظم رهبری در نوعی جمع‌بندی خطاب به استادان و اعضای هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها تأکید کردند: «دانشجویان خود را امیدوار و خوش‌بین به حال و آینده کشور، معتقد به توانایی‌ها و ظرفیت‌های داخلی و آشنا به موقعیت کشور تربیت کنید تا مطمئن شوند همان‌گونه که پیشرفت‌های کشور نسبت به دو، سه دهه گذشته تحسین‌برانگیز است، آینده کشور نیز در مقایسه با امروز به مراتب درخشان‌تر خواهد بود».

مقام معظم رهبری با اشاره به جایگاه رفیع جمهوری اسلامی در میان توده‌های اکثر ملت‌ها افزودند: «ایران اسلامی در میان دولت‌های مستکبر و بی‌ارزش بیشترین دشمنان را دارد همان‌گونه که در توده‌های مردم منطقه و اغلب کشورها بیشترین آبرو، طرفداری و نفوذ را دارد و همین موجب شده است که دشمنان خیبت دائم به فکر توطئه باشند که به فضل الهی در مقابل ملت ایران و جمهوری اسلامی همچنان شکست خواهند خورد».

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به مظلوم‌نمایی رژیم صمهیونیستی در زمان، یعنی نخست وزیر کودکش رژیم اشغالگر که سفر بر اروپا گفتند: «این چنانکدر که سرآدم همه ظالمان تاریخ است، به اروپایی‌ها به دروغ گفت ایران می‌خواهد ما و چند میلیون یهودی را نابود کند؛ درحالی‌که راه‌حل ما برای مسئله فلسطین کاملا منطقی و منطبق بر موازین دموکراسی است».

مقام معظم رهبری با انتقاد از سکوت اروپایی‌ها در مقابل جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و قدس افزودند: «همیشه گفته‌ایم برای تعیین نوع حکومت در کشور تاریخی فلسطین باید براساس شیوای که همه جهان قبول دارد، به افکار عمومی مراجعه کرد و از همه فلسطینیان واقعی اعم از مسلمان و یهودی و مسیحی و همه حداقل ۸۰ سال در این سرزمین بوده‌اند، چه در داخل و چه در خارج از سرزمین‌های اشغالی نظرخواهی و همه‌پرسی شود».

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: «این طرح جمهوری اسلامی که رسما در سازمان ملل به ثبت رسیده است، آیا با موازینی که جهان قبول دارد منطبق نیست؟ پس چرا اروپایی‌ها حاضر نیستند آن را بپذهند؟».

من به مناسبت کار تحقیقی‌مورد اشاره بارها نام آیت‌الله سلطانی‌طباطبایی و دوستان هم‌طبلگی‌اش در بروجرد مثل مرحوم آشیخ رحمت‌الله مجلسی (صاحب‌الزمانی) – رحمت‌الله علیه- را یاد آوردم که همین روح لطیفش هربار اجازه نداد که اشک در چشمانش حلقه نزند و صدایش تغییر و بغض نکند. همنشینی با آن مرحوم حس روحانی به انسان می‌داد که ناشی از خصال نیکوی روحانی خود او بود. او از قوه حافظه عتی به‌خوردار بود و بسان دانایان روزگارچشیده همواره نصیحت‌گونه بی‌بی عبرت‌آموز بسر زبان جاری می‌کرد. این چنین حافظه‌ای موجب شده بود که معماری و بافت شهری و رفتارهای اجتماعی سال‌های دهه ۲۰ و دوران طلبگی‌اش را به خوبی به یاد بیاورد و همین مراب ر آن داشت که در سووای این باشم که همنشینی و مصاحبت‌های دیگری با آن مرد بزرگ برای بازسازی ذهنی خودم از بافت شهری و تحولات شهرنشینی آن سال‌ها با هدف کتابت آن، داشته باشم؛ امری که محقق نشد. حیف که اجل مهلتش نداد. خدایش بیامرز و در این ماه ضیافتش، میزبان او باشد. آمین.

روزنه

مسیح در قصر؛ تاریخ شفاهی از نوعی دیگر



«**سیدعلیر ضاحسینی‌بهشتی**

● در کشوری مثل کشور ما که تاریخ‌نگاری، به‌ویژه اگر به دوره معاصر مربوط باشد و خاطره‌نگاری، اعم از آنکه خودنگار باشد یا دیگرنگار، سنتی رایج نیست، انتشار هر متنی که بازتاب زمانه از دریچه نگاه هر فردی باشد، برای هر جست‌وجوگری که در پی بازسازی تصویری کامل‌تر از گذشته است، غنیمتی بسیار بزرگ به‌شمار می‌رود. «مسیح در قصر»، خاطرات سرتیپ اصغر کورنگی که به کوشش مهسا جزینی تدوین و به همت انتشارات روزنه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب امسال روانه بازار شد، بی‌تردید از جذاب‌ترین کتاب‌های خاطراتی است که در سال‌های اخیر خوانده‌ام. علت جذابیت آن را باید در صداقت و صمیمیتی جست‌وجو کرد که در سراسر کتاب به چشم می‌خورد. کورنگی سعی کرده با زبان دلش سخن بگوید.

برای من این مسئله که کورنگی همشهری پدرم بوده، در یک سال متولد شده‌اند (با فاصله شش ماه) و به یک دبیرستان (سعدی) رفته‌اند و نیز به دلیل اینکه بسیاری از مکان‌هایی که نام می‌برد (مثل مسجد رحیم‌خان که به دست اجداد مادری‌ام که مقبره آنها هم همان‌جاست، تأسیس شده است) آشنا بود، خاطره‌انگیز بود و شوق خواندن را بیشتر کرد.

کورنگی در مقدمه کتاب، خواننده را متوجه می‌کند که خاطراتش را برای خوشامد یا بدآمد کسی دست‌کاری نکرده است؛ به‌جز موارد استثنائی که حفظ آبروی فرد مدنظر را از بیان واقعیت مهم‌تر یافته است. با این همه، خاطراتش یک جهت‌گیری کلی دارد؛ بازنمایی خدمات افسران، درجه‌داران و کادر شوربانی دوران پیش از وقوع انقلاب. انگیزه نویسنده نیز بیان این واقعیت است که در میان نیروهای نظامی و انتظامی آن زمان، شهربانی بیش از بخش‌های دیگر مورد بی‌مهری تاریخ‌نگاران معاصر رفته است. من بشخصه این هدف‌گذاری را ستایش کرده و کتاب را در ایفای این وظیفه موفق ارزیابی می‌کنم، خود من دوستانی داشتم که پدران‌شان در آن زمان در بخش‌هایی از شهربانی سمت داشتند و نام نیک‌شان در زمره خدمت‌گزاران به این آب و خاک ثبت شده است. در بخشی از خاطرات پدرم که امسال منتشر شد نیز به موارد مشابهی، حتی درباره ساواک، برمی‌خوریم؛ ازجمله آنجا که از احضارش به شهربانی و سپس ساواک اصفهان پس از سخنرانی‌اش در سال ۱۳۴۳ در مدرسه صدر چهارباغ (امام صادق(ع) کنونی) سخن می‌گوید و برخوردش با رئیس آن زمان که تحت‌تأثیر رفتار و گفتار میهن‌دوستانه پدر قرار گرفت و دستور آزادی او را صادر کرد: «بعدها شنیدم که بالاخره ساواک نتوانست ایشان را تحمل کند و بعد از دو، سه سال ایشان را بیرون کرده بودند. البته نه به این مناسبت» (شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، من محمد حسین‌بهشتی هستم، ۱۳۹۶، ص۴۱)

با این همه، کورنگی نباید از تصویر نه‌چندان زیبایی که از شهربانی در ذهن مردم باقی مانده است، دلخور باشد. واقعیت این است که شهربانی بیش از هر نیروی انتظامی دیگر (زائرانمری در رتبه بعد از آن قرار دارد) با زندگی روزمره مردم کوچه و خیابان سروکار داشته و رفتار نادرستی که نیروی ساد، می‌توانسته تأثیری بزرگ در شکل‌گیری تصویری باشد، هرچند ناقص، از آن برجای بگذارد. یادم می‌آید یکی، دو سال به انقلاب مانده، شاه گویا برای صرفه‌جویی در نیرو برق، دستور داد مغازه‌ها ساعت ۹ بعدازظهر تعطیل شوند. یک روز فراموش کرده بودم به‌موقع به سلمانی محل‌مان بروم و آخرین مشتری او شدم، چون مدرسه دستور مذکود داده بود که موهلبار ما با ماشین نمره‌چهار کوتاه کنم. در سلمانی، من با تگرانی به عقره‌های ساعت نگاه می‌کردم که به اعلام ساعت ۹ نزدیک می‌شدند. سلمانی محل اما با خونسردی شمالی‌اش، کرکره را از داخل تا نیمه پایین کشید و به کارش ادامه داد. صدای برخورد باتوم پلیس محل به در مغازه که به‌عنوان اخطار بلند شد، سلمانی به سمت گشوی دخلش رفت و اسکناسی درآورد و با شوخی و خنده به مأمور شهربانی داد. او هم با صدایی بلند، احتمالا برای اینکه همه بشنوند، گفت «پس تا می‌روم پایین خیابان و برمی‌گردم تعطیل کن» که با جواب «چشم» سلمانی همراه شد.

با همه این احوال، باید اذعان کنم هرچه صفحات کتاب را بیشتر می‌خواندم، تلاش‌های دلسوزانه و خدمات توسعه‌گرایانه افسرانی مانند کورنگی، تحسین را بیشتر برمی‌انگیخت. کورنگی البته خود نیز به رفتار ناسایبست برخی از هم‌قارانش اشاره می‌کند و گاه به تجزیه‌وتحلیل آن می‌نشیند. همچنین دراین‌باره از نقش مخرب ساواک سخن می‌گوید و روال خاطره‌گوایی، او را از درنگ‌های جابه‌جا باز نمی‌دارد؛ ازجمله، در صفحه ۱۴۰ کتاب به این تحلیل عقیق و ماندنی برمی‌خوریم:

«شاید وجود دستگاه‌های اطلاعاتی در جهان ازجمله ضروریات و ابزار حکومت‌ها باشند و هر حکومت و دولتی ناگزیر به چنین شهری و رفتارهای است، خصوصا بعد از جنگ جهانی دوم که مسئله توطئه و تخریب پنهانی علیه کشورها و اعزام تروریست از ابزارهای جاسوسی و اقدام سیاسی تلقی می‌شد.

ادامه در صفحه ۱۵